

کلیات حقوق تجارت

نسبت بشرکتهای سهامی محدود

البته مسلم است در اساسنامه هر شرکتی مقدار معینی سهام برای مدیران پیش بینی میشود و سهام مزبور برای جبران خساراتی است که از اعمال اداری مدیران متوجه شرکت میشود و چون حدود خسارت در اساسنامه قید میشود باید گفت شرکت خساراتی را که در اثر اعمال اداری مدیران ممکن است برسان متوجه شود در حدود همان میزان سهام تشخیص داده است و مدیران نیز بیش از میزان مزبور در مقابل شرکت الزامی نخواهند داشت (ماده ۲۳۰ قانون مدنی) بنابراین هرگاه شرکتی دارای پنج نفر مدیر بوده و هر مدیری باید ده سهم هزار ریالی داشته باشد مسئولیت تضامنی مدیران و یا بعبارت دیگر الزام مدیران بتأدیه خسارت تا حدود پنجاه هزار ریال است حال اگر فرضاً یکصد هزار ریال ضرری به شرکتی متوجه گردد تا حدود پنجاه هزار ریال آن باید از سهام مدیران جبران گردیده و بقیه بین صاحبان سهام سرشکن شود و اگر یکی از مدیران پنجاه سهم داشته باشد فقط ده سهم آن داخل در خسارات شناخته خواهد شد و مدیر مزبور نسبت بچهل سهم بقیه در حکم سایر صاحبان سهام بوده و از هر حیث با آنها متساوی خواهد بود .

هرگاه اقدام یکی از مدیران بر خلاف مقررات قوانین و اساسنامه بوده و عمل بنحوی باشد که قانوناً برای شرکت ایجاد تعهدی ننماید مدیری که اقدام مزبور از ناحیه او ناشی شده منفرداً و سایر مدیران مشترکاً مسئول خواهند بود . مثلاً اگر مدیران مقداری از سهام شرکت را بیکی از مدیران فروخته و در مقابل از وجوه شرکت بمدير مزبور قرض داده باشند هر گاه شرکت ورشکست شود چون مطابق اصل کلی وجوه شرکت را برای تأدیه قیمت سهام مورد تعهد نمیتوان پرداخت مدیری

که سهام باسم او صادر شده منفرداً در مقابل شرکت برای تأدیه وجه آن مسئول بوده و البته مدیر مزبور نیز می تواند مبلغ پرداختی را از سایر مدیران به نسبت مطالبه نماید . بدیهی است در این مورد وضعیت مدیران مثل شرکاء در شرکت تضامنی خواهد بود .

مدیران در موارد ذیل مسئول بوده و ممکن است جرایم مقرر در قانون تجارت متوجه آنها گردد .

۱ - در صورتیکه دفاتر مقرر در ماده ۶ قانون برای شرکت تهیه ننموده و یا آنکه در نگاهداری آن ها مسامحه نمایند .

۲ - در صورتیکه مقررات ماده ۲۸ در مورد قیمت اسمی سهام شرکت مراعات نشده باشد .

۳ - در صورتیکه تصدیق موقتی قبل از تشکیل شرکت صادر نموده باشند (ماده ۲۹)

۴ - در صورتی که شرکت فاقد شرکت نامه باشد (ماده ۳۶)

۵ - در صورتیکه اساسنامه شرکت فاقد شرایط مقرر در ماده ۳۷ باشد .

۶ - در صورتیکه قبل از تهه کلیه سهام شرکت اقدام بتشکیل شرکت نموده باشد (ماده ۳۸)

۷ - هرگاه چیزی یکبار در اذاع سهم غیر نقدی تعهد شده تماماً تحویل نشده باشد (ماده ۳۹)

۸ - در صورتیکه اسناد و مدارک مندرجه در ماده ۴۴ ضمیمه اظهارنامه نباشد .

۹ - در صورتیکه تصدیق برخلاف مقررات ماده ۵۰ بداره ثبت شرکتهای داده شود .

تبصره - مطابق مقررات ماده ۸۹ قانون تجارت در هشت مورد فوق (بغیر از مورد اول) مرتکب بر طبق

حکم محکمه ممکن است علاوه بر خسارات وارده به شرکت پانصدالی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم گردیده و هر گاه عمل او مشمول ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی باشد بجزای مقرر در ماده مزبور نیز محکوم گردد.

۱۰ - هر گاه عمل مدیران منطبق با یکی از حقوق مقرر در ماده ۹۳ قانون تجارت گردد.

۱۱ - در صورت عدم رعایت مقررات مندرجه در مواد ۵۴ و ۵۵ قانون تجارت.

۱۲ - در صورت عدم اقدام بدعوت و تشکیل مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت

۱۳ - در صورتیکه مقررات ماده ۵۷ راجع به موضوع کردن یث بیستم از سود ویژه (عایدات خالص) برای تشکیل سرمایه احتیاطی را تا موقعیکه موضوع کردن الزامی است رعایت نمایند.

۱۴ - در صورتیکه بهات ضررهای وارده شرکت که مورد مشمول ماده ۵۸ قانون تجارت باشد مجمع عمومی شرکت را دعوت ننموده و آنرا تشکیل ندهند.

۱۵ - در صورتیکه صاحبان سهامی که مجموع سهام آنها معادل یک پنجم سرمایه شرکت باشد باستناد مقررات ماده ۶۰ تقاضای تشکیل مجمع فوق العاده را نموده و مدیران اقدام بتشکیل آن نمایند.

۱۶ - در صورتیکه برای تهیه ورقه حاضر غایبی که در ماده ۷۵ پیش بینی شده و باید در مجمع عمومی موجود باشد اقدام نمایند.

۱۷ - در صورتیکه برای تبدیل تصدیق های موقتی رعایت ماده ۸۱ را ننموده باشند.

نسبت بمورد دهم که در فوق ذکر گردید و شقوق آن در ماده ۹۲ قانون تجارت ذکر گردیده عمل منطبقی با کلاه برداری است و شق ۳ ماده مزبور اینطور مینویسد «مدیر هائیکه با نبودن صورت دارائی یا باستناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تسلیم نموده باشند» البته کلامه منافع موهوم یا منافع صوری

مناسزم توضیحات بیشتری بوده و اینک بشرح آن پرداخته می شود.

منفعت موهوم یا دارائی مزور بر دو قسم است:

صریح و ضمنی.

۱ - منفعت موهوم یا دارائی مزور صریح آنست که شیئی مورد انتفاع یا دارائی موضوعیت نداشته و در حقیقت اسمی باشد مثل بر آورد کردن مطالبات صعب الوصول یا سوخت در ضمن دارائی و مطالبات شرکت

۲ - دارائی مزور ضمنی آنست که مبلغ اسمی شیئی را جزو دارائی منظور نمایند که مطابق قانون یا معمول تجارت یا مقررات محاسبات و دفتر داری بایستی کمتر از مبلغ اسمی مزبور بر آورد شده باشد. مثلاً اگر شرکتی یک دستگانه ماشین چاپ داشته باشد که مدت عمران بنا بتشخیص کارخانه بیست سال بوده و قیمت آن نیز فرضاً صد هزار ریال باشد مسلم است در هر سالی یک بیستم قیمت آن کاسته میشود (طرز استهلاك ماشین - آلات و کارخانجات و غیره متفاوت بوده و بطوری که تا کنون در اغلب کشورهای صنعتی دنیا عمل گردیده هشت نوع است که یکی از طرق مزبور همان تقسیم به نسبتی است که در اینجا ذکر میشود) و البته مسلم است طرزیکه در اینجا ذکر میشود منحصر بفرود نبوده و هر شرکتی با در نظر گرفتن نوع تجارت و اصول دیگری که فعلاً از بحث ما خارج است دارائی خود را استهلاك مینماید - حال اگر در موقع تهیه ترازنامه یک بیستم مبلغ مزبور که پنجهزار ریال میشود کسر نگردیده و همان صد هزار ریال را بعنوان قیمت اسمی ماشین آلات در جزو دارائی بر آورد نمایند مسلم است یک بیستم دارائی مزور صوری بوده و همان مبلغی که کسر نگردیده نمایند منافع موهوم است.

از طرف دیگر اگر مبلغی برای تأمین خرید ماشین مزبور در هر سال کنار گذارده نشود بدیهی است در آخر انقضاء مدت بیست سال خرید ماشین چاپ برای شرکت مشکل و اغلب غیر ممکن بنظر میرسد

حسین اکرمی